... وللدار الآخرة خیر للذین یتقون افلا یعقلون ...

الدفتر الصغیر

میکروفیلم تهیه شده

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: مجموعه مجالس (الکشکول)

مؤلف متن: واقف نسخه احتمالا — محشی:

شارح: — مترجم:

تاریخ تحریر: سده ۱۴ ق — نوع خط: نستعلیق تحریری — تعداد سطر: مختلف

جزء کتب: ادبیات — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۲۱ — نوشته شده جمعاً

طول: — عرض: — شماره عمومی: ۲۴۳۵۰

وقفی: حاج شیخ محمود تولائی معروف به حلبی — تاریخ وقف: مرداد ۱۳۷۷

خریداری — خریداری

ملاحظات:

یادگار صالح المهدی ادوکمی
اهدائی خادم الحجه مرحوم علامه
حاج شیخ محمود حلبی متوفی ۱۴۱۸ قمری
بکتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام

الدفتر الصغیر

کرمان در زمان [illegible] محمد اسمعیل خان حکومت کرمان چهار برادر بودند یکی استاد محمد کلاه دوز بوده است که جد اتی والده
حقیر بوده است داود کلاه دوز از او کوچکتر است نام برادر بعد از استاد رضا کلاه دوز میباشد و هم برادر دیگر را نامش را نمیدانم و
در محله کلبادفان کوچه باکتین منزل شخصی داشته در جنب منزل شیخ علی روضه خوان یزدی و استاد محمد دارای سه فرزند بوده
دو پسر و یک دختر نام پسر بزرگ آقا حسین و نام پسر کوچک ملا مهدی بوده است و نام دختر سکینه بوده است آقا حسین در اول امر
در دالان قیصریه مشغول کتابت بوده است و در دستگاه حاج محمد خان پسر حاج کریمخان بوده است پس از آن داخل در تلگرافخانه
شد و در زمانیکه محمد رفیع خان رئیس تلگرافخانه کرمان بوده پس بواسطه حسن خدمت او را رئیس تلگراف
اطراف کرمان مانند رفسنجان و سیرجان منصوب نموده است و از آقا حسین فرزندی نماند و ملا مهدی مشغول کتب داری بوده است و از
او یک پسر باقیمانده اسمش آقا کریم بوده ملا مهدی با خواهرش سکینه در سنه ۱۳۰۹ بمشهد مقدس مشرف شده و هفت سال در مشهد
بوده مراجعت بکرمان کرده دو سال در کرمان مانده پس سکینه با دخترش مریم که والده اینجانب است و ۱۳ ساله بوده با پسرش محمد
خال اینجانب است و ۱۰ ساله بوده مجدداً بمشهد مشرف شد و این سکینه نام مادرش مرضیه بوده است و نام شوهرش کربلائی عبدالله
شعرباف (که از دهات شیراز است) بوده و شغلش تخت کشی گیوه و نیکی بوده است دکان نزدیک کاروانسرای هندوها بوده
و مرضیه جده والده ام با سکینه جده ام خیاط مهم شخص خانواده حاج محمد کریمخان و حاج محمد خان و زین العابدین خان و حبیبی خان
و خانواده وزیر [illegible] کارهای وکیل الدوله بوده اند و کاملاً مقرب آنان و منظور نظرشان بوده اند و سکینه در منزل امام جمعه
چون خواهر استاد محمد نکوئی داشته و این سکینه دو عمه داشته که هر دو خواهر استاد محمد کلاه دوز بوده اند نام یکی ملا معصومه و دیگری [illegible]
بوده و والده ام نزد ایشان درس خوانده است زیرا که او تحصیل داشته و منزل امینه خواهر در باکتینک بوده جنب خانه [illegible]
قنادان را که اجرا شغل فروشی بوده با پسرش آقا محمد دکان شغل فروشی داشته در میان دالان کاروانسرای گبرها و این تذکر را
گفتم [illegible] میل ها را ایشان [illegible] آقا محمد حسین عطار بوده که در دهنه چهار سوق عطاری داشته است بالجمله ملا معصومه را
دو پسر بوده محمد علی خان و ملا قاسم شاگرد [illegible] محمد علی خان تلگرافی بوده در میانه [illegible]
[illegible] سبزواری [illegible] آزاد [illegible] محمد حسن بیک بوده است که ترک بوده و جلودار محمد اسمعیل خان

علاوات

خلاصه حرکات بشر [illegible] که اول الفکر آخر العمل [illegible] ارباب عقول [illegible] حرکتی بدون غایت نیست و طلب
مجهول مطلق از ممتنعات [illegible] حرکات بشر را غایتی است که قبلاً تصور کرده [illegible] اقدام بر عملی نمایند [illegible]
و نتیجه حرکات و سکنات کل بشر از چند چیز خارج نیست یا مقصود شان تحصیل ثروت و مال و حفظ او است زیرا که [illegible]
[illegible] یا تحصیل [illegible] و حفظ او از آفات [illegible]
[illegible]
یا مقصود شان تحصیل [illegible] که نام نیک [illegible] کمال و محبوب و مطلوب [illegible] ارباب غیرت و حمیت
و اخلاق [illegible] یا مقصود شان تحصیل دیانت که آسایش [illegible] در آن است [illegible] کمال [illegible]
و باید دانست که تحصیل در چهار مطلب [illegible] تا ثروت [illegible] حفظ عرض و ناموس [illegible]
[illegible]
در کسب قرار داده تحصیل [illegible] محبوب [illegible]
[illegible] اگر دنیا و ثروت [illegible] تحصیل عرض و آبرو مطلوب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جمیع [illegible] مطلوب و محبوب و کمال [illegible] خارج نیست
[illegible]

۹ در مجموعهٔ الرسائل در رسالهٔ عبدالله بیک در ص ۱۳۲ و ص ۱۴۲ و ص ۱۴۳ و ص ۱۴۴
ادعا میکند آگاه به اسرار است که جز پیغمبر و اهل البیت و بعض خواص شیعه احدی
بر آن اطلاع پیدا نکرده و خودش آگاه باسرار قدر شده است و میگوید از نوشتن این
اسرار ممنوعم و اگر بلا مانع بود بعضی از آنها را فاش [...] القاء میکنم
و در مقام بیان جوابی که معصومین علیهم السلام در روز الست بخداوند دادند
میگوید از بیان این سؤال و جواب معذورم زیرا که مردم بمقام فؤاد نرسیده اند
و این حقایق را جز بدیدهٔ فؤاد نمیتوان دید انتهی پس سید بر حسب ادعای خودش
بمقام فؤاد رسیده و در صفحهٔ یکصد و بیست و شش شرح القصیده مقام فؤاد را که
أعلی المشاعر است شرح داده و خلاصهٔ آن این است که فؤاد درک میکند
مطالبی را که میزان عقل و برهان علم ندارد و لهذا نمیشود بعقل و علم او را
گفت زیرا که تکذیب و انکار میکنند و طریق اثبات علمی هم ندارد و لهذا باید
۱۰ در شرح آیة الکرسی صفحهٔ یازدهم پس از بیان عموم آیه در حاشیه میگوید [...]
فهم و بنوش این آب گوارای صاف را زیرا که او جرعه ایست از حوض کوثر
و اگر بنوشی هرگز تشنه نمیشوی نگاه کن ببین [...]
و تقلید مکن مردم را [...] زیرا که اینمطلب بر خلاف آنچیزی است که اهل ظاهر درک میکنند
و بآن عقیده میبندند زیرا اینمطلب عقیدهٔ علماء و حکماء معصومین است که
هیچوقت محو و فراموشی و غفلت ندارند و مؤید بروح القدس میباشند و دیگر [...]
حق را در اینجا [...] نظر [...] آنها [...]
[...] انتهی و در شرح حدیث
عمران صابی در صفحهٔ [...] پنجاه و چهار در ذکر مقامات توحید میگوید در این اشاره
رمزی دارم [...] اسرار بطون
قرآن [...] بطون و ظهر
قرآن حرف عجیبی در شرح القصیده در صفحهٔ یکصد و چهل و نه گفته که کلید خزائن(?)
و از بین بردن قرآن بدست سید باب داده است میگوید هرگاه این بیان تمام

کامل برای شما [...] خواهد داشت که آنچه در نزد این مردم موجود است از معانی قرآن
و در کتب تفاسیر و دفترهایشان نوشته و میخوانند هیچیک اینها نه از معانی
باطنیهٔ قرآن است و نه از معانی ظاهریهٔ آن بلکه یکدسته پوست های خشک است
(یعنی معانی تحت اللفظی است) که در زمان ظهور دولت مهدی عجل الله تعالی
فرجه از بین خواهد رفت و این مردم چنین تصور میکنند و خیال میکنند که از
معانی قرآن چیزی در دست دارند (در حالیکه اینها هیچ چیز نیست)
انتهی پس تمام این کتب تفاسیر [...] که مطالبی راجع بتفسیر
قرآن دارد هیچ و بیهوده و نامربوط است و معانی قرآن همان [...] است
بی سر و ته و بی پا [...] که سید علیمحمد
هم تفسیر سورهٔ یوسف نوشته و هر چه بزرگتر از آنها در بیان
بیاید رد میکند و نامش را باطن قرآن و معانی باطنیهٔ قرآن میگذارد
[...] که از دست سید باب و میرزا حسینعلی
بهاء پیدا شده بذر و ریشه اش را شیخ احمد و سید کاظم کشته اند فعلا این
ده مورد برای نمونه از بلند پروازیها و ادعاهای اغراق آمیز سید رشتی کافی
است و محققین بر جمیع کتب سید مراجعه کنند تا جزاف گوئیهای سید را کاملا بیابند
نتیجه آنکه کرده است چنین شد که شیخ و سید نائب خاص و [...] ظاهره در پرده
خدا و وارث انبیاء و بالاتر [...] نور لامع و هزاران ادعای دیگر
زیرا که علوم الهیه برای ایشان [...] و این علوم هم عبارتند از
همان مهملات عددی و حروفی و تأویلات بی مغز و سند بلکه از شعور
فؤاد آنها ظاهر شده است و مطالب ناشیه از فؤاد مدرک و دلیل عقلی
ندارد بلکه گاهی عقل آنها را انکار میکند پس بنا بر این هر کس این علوم را
دارا نبود و دارای مقام اینها باشد البته باب آمده و بالاتر از اینها مهمل است

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب	شجره نامه شیخ محمود حلبی
مؤلف متن	حاج شیخ محمود تولایی ملقب به حلبی
شارح	
مترجم	
تاریخ تحریر	۱۴ ق
نوع خط	شکسته تحریری
تعداد سطر	
نام کاتب	
موضوع	رجال
زبان	فارسی
عدد اوراق	۱ برگ
طول	
عرض	
شماره عمومی	
وقفی / خریداری	
تاریخ وقف	
ملاحظات	

پیدا از حرف کز چشیده درف [illegible] مردم از رب نه آن [illegible] نداره [illegible] شیخ وسید عالم با سرار درویش شده آنها [illegible]

سید رشتی در شرح آیة الکرسی ص ۱۱ میگوید پس از بیان عموم الوهیت و رحمانیت میگوید فی فهم در زرب عذبا صافیاً فانه جرعة من حوض الکوثر فان شربته لا تری الظماء ابداً لا تنظر الی من قال وانظر الی ما قال ولا تقلد فان هذه المذکورات خلاف ما یعرفه اهل الظاهر من ظاهر معتقداتهم بل هو معتقد العلماء الحکماء المعصومین الذین لا یسهون ولا یغفلون ولا ینسون بل یؤیدون ویسددون بروح القدس ان اردت تعرف الحق فی المراد فانظر فی احادیثهم وکلماتهم سیما عیون اخبار الرضا ع والکافی والوافی والتوحید ومعانی الاخبار وامثال ذلک من الکتب الخ

در شرح القصیدة ص ۱۴۹ میگوید اذا عرفت هذا البیان الی ان عرفت ان ما عند الخلق الان بحسب فهم الموجود فی زمانهم ودون فهم لیس من معنا القرآن الباطنیة ولا من الظاهریة بل انما هی قشر وظواهر تزول عند ظهور دولة المهدی عجل الله فرجه [illegible]

در شرح القصیده از ص ۲۸۲ راجع به برادران دین و برادران یونس [illegible] شیخ احمد و سید کاظم [illegible] شیخ را دارای [illegible] که اهل بیت [illegible] فرجه بشده او [illegible] از هر دو [illegible] شیخ احمد [illegible] آنهام [illegible] عالم با برادران [illegible] باید [illegible]

بدانکه
در خیرنیان قبل شخصی بوده است بنام ملا عبدالرحمن ملقب به
اعلم العلماء در بهارجان خراشاد قاین و این از جدهای من
این بنده میباشد مرحوم ملا عبدالرحمن قاینی خودش در بهارجانی دو پسر
داشته یکی بنام ملا علی و دیگری ملا ولی الله مرحوم ملا علی
دارای چند فرزند بوده که نام یکی از آنها میرزا محمد علی بوده و آن
میرزا محمد علی [illegible] در مشهد مشغول شغل شاطری بوده است و نان طبخ
و این میرزا محمد علی دو پسر داشته یکی بنام غلامرضا و دیگری حاجی حسین
و حاجی حسین که کوچکتر بوده فوت شده بدون اولاد و آقا غلامرضا قبلا
کلاهی بوده و بعدا [illegible] و [illegible] در [illegible] اهل خیر [illegible]
و از طرف مرحوم شاهزاده شیخ الرئیس ابوالحسن قاجار ملقب بصدیق المحدثین
گردیده مرحوم حاج ملا غلامرضا صدیق المحدثین دارای پنج پسر و
[illegible] دختر بوده اند بترتیب احمد محمود فاطمه ابوالقاسم
ربابه محمد علی رقیه حسین فرزند اولش که معروف بحاج شیخ
احمد ملقب به [illegible] از عیال اولش بوده و این هفت فرزند دیگر
از عیال [illegible] ما در این بنده است [illegible] و شرح حال مادرم
مریم [illegible] در صفحه اول این دفتر نوشته ام [illegible] مرحوم میرزا
محمد علی [illegible] جد ابی اینجانب دارای [illegible] خواهر بوده که نام آنها
را نمیدانم یکی از این دو خواهر دارای [illegible] دختر بوده که نام آن دو دختر
صاحب جان و زهرا بیگم بوده صاحب جان عیال مرحوم سید
اسدالله [illegible] بوده است و [illegible] زهرا بیگم عیال مرحوم میرزا حسن عطار
بوده و حاج میرزا ابوالحسن عطار در مشهد فرزند مرحوم میرزا حسن از همین زهرا بیگم است
و صاحب جان و زهرا بیگم از مادر یکی بوده و از پدر جدا بوده اند و [illegible] خواهر